

شرق

روزنامه

کارگران فصلی در روستای نوکنده گلستان مشغول برداشت آخرین پرتقال‌هایی هستند که برای مصرف شب‌پلدا تا عید نوروز استفاده خواهد شد. /عکس: فائزه کابلی، باشگاه خبرنگاران جوان



آکادمی

بازگشت ستاره کریسمس

هم‌آغوشی مشتری و زحل پس از ۸۰۰ سال

سال آینده (دوم نوامبر ۲۰۴۰ و هفتم آوریل ۲۰۶۰) روی می‌دهند، از دید ما سیارات ۱۰ برابر بیشتر از این با هم فاصله دارند. بنابراین در یکم دی‌ماه یک مقارنه استثنائی در پیش خواهیم داشت. به گفته «پاتریک هارتیکان»، اخترشناس دانشگاه «رایس»، «هم‌تزاری بین دو سیاره نادر است و تقریباً هر ۲۰۰ سال روی می‌دهد، اما این مقارنه به دلیل جایگاه خاص زمین، مشتری و زحل در منظومه شمسی بسیار نادرتر است. به گفته او، این پدیده بار قبل در تاریخ چهارم مارس ۱۲۲۶ میلادی رخ داده است و کسانی که می‌خواهند منتظر بمانند و مقارنه نزدیک بعدی مشتری و زحل را تماشا کنند، باید تا تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۸۰ صبر کنند. پس از آن این مقارنه جذاب در سال ۲۴۰۰ تکرار خواهد شد. می‌توان گفت مقارنه‌ها به خودی خود پدیده نادری نیستند، اما با تلسکوپ به مشاهده آسمان پرداخته، بی‌تکرار بوده است. به نظر می‌رسد نام‌گذاری این پدیده به نام ستاره کریسمس پیشینه تاریخی دارد. به روایت انجیل متی، هم‌زمان با میلاد حضرت مسیح(ع) ستاره‌ای بر فراز سرزمین مقدس درخشید... افراد زیادی در طول تاریخ برای یافتن دلیل علمی این ستاره تلاش کردند و حدسیات زیادی مطرح کرده‌اند. مقارنه مشتری و زحل، مقارنه مشتری و زهره، درخشش یک ابرنواختر (انفجار ستاره‌ای)، ظهور یک دنباله‌دار از گزینه‌های احتمالی برای ستاره مقدس هستند. هرچند هیچ‌کدام



ف. م. محمدصادق قلیانپور



رضا ماه‌ماتپور
منجم و مروج علم

درحالی‌که پاییز ۹۹ به آخرین روزهای خود نزدیک می‌شود و شب‌پلدا به عنوان بلندترین شب سال در تقویم خودنمایی می‌کند، منجمان، عکاسان و علاقه‌مندان آسمان شب در انتظار یک پدیده جذاب و نادر نجومی هستند. هر جای کره زمین که باشید، یکم دی‌ماه مصادف با ۲۱ دسامبر سال ۲۰۲۰ را علامت‌بزنید؛ چراکه در این روز دقیاقی پس از غروب خورشید، در سمت جنوب غربی آسمان سیاره مشتری (Jupiter) و زحل (Saturn) که بزرگ‌ترین سیارات منظومه شمسی محسوب می‌شوند، برای نخستین‌بار پس از ۸۰۰ سال، با اخلاف یک‌دهم درجه و به اندازه یک‌پنجم قطر ماه در کنار هم دیده خواهند شد. به دلیل نزدیکی این رویداد با ولادت حضرت مسیح(ع) نام ستاره کریسمس را بر آن نهادند. البته این همه ماجرا نیست. در اصلاح علم نجوم به این پدیده «مقارنه» یا «هم‌دمی» گفته می‌شود و از دید ناظر زمینی هرقدر فاصله میان دو جرم سماوی در آسمان کمتر باشد، مقارنه جذاب‌تر است. نزدیکی میان مشتری و زحل به حدی است که ممکن است شما در نگاه نخست یک نقطه واحد و پرنور ببینید! با تغییر موقعیت زمین در منظومه شمسی، جایگاه سیارات از دید ما در هر شب به میزان بسیار اندکی نسبت به شب قبل متفاوت می‌شوند. این تغییرات موجب می‌شود گاهی از نگاه ما، دو سیاره در یک راستا قرار بگیرند و در حالت‌های نادری هر ۲۰ سال یک‌بار مشتری و زحل نیز در حالت مقارنه باشند. از دید ما این دو سیاره از نیمه تابستان در آسمان شروع به نزدیک‌تر شدن کردند و این نزدیکی در نخستین شب زمستان به اوج خود خواهد رسید. باین حال مقارنه یکم دی‌ماه استثنا است. در میان مقارنه‌هایی که هر ۲۰ سال میان این دو سیاره روی می‌دهد، ۸۰۰ سال است که در آسمان شاهد این میزان از نزدیکی نبوده‌ایم. به بیان ساده‌تر مقارنه‌هایی که در ۴۰ و ۴۰۰

www.sharghdaily.ir
شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۹ • ۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ • ۱۹ دسامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۹۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۴
اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۱۰
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

هجدهم دسامبر که ازسوی سازمان ملل متحد به‌عنوان روز جهانی مهاجران شناخته می‌شود، بهانه‌ای است برای نگاه به مسئله مهاجرت. برای درک بهتر مسئله مهاجرت در دنیای امروز شاید بد نباشد که مهاجرت را در بستری تاریخی نگاه کنیم؛ جایی که بعد از کشف آمریکا جریان‌های گسترده مهاجرت به این کشور آغاز شد.

اولین گروهی که به آمریکا مهاجرت کردند، مسافران کشتی مفیلارو بودند که در بندر پورتموث پهلو گرفتند و نقطه‌ای تاریخی را در مهاجرت بنا نهادند. مهاجرتی که البته بیشتر از هر وقت دیگر جنبه سیاسی در آمریکا داشت. آنها مخالفان و اپوزیسیون‌هایی بودند که در انگلستان خودشان را تحت ظلم و ستم می‌دیدند و تصمیم گرفتند با این مهاجرت تاریخی سنگ‌بنای مهاجرت‌های گسترده در دنیا را گذاشتند. آنها در مسیر مهاجرت‌شان تا آمریکا بیانه‌ای هم تنظیم کردند که در آن روابط سیاسی خود با سایر کشورها و مسائل حکومت‌داری را هم عنوان کرده بودند. این مسئله نشان می‌دهد که این کشتنی حامل یک گروه‌نخبه از جامعه بریتانیایی به سمت آمریکا بود. بعدها گروه‌های دیگری هم با مهاجرت به آمریکا به این مهاجران پیوستند. آمریکا هم کشوری با منابع طبیعی گسترده و بسیار غنی بود و هرچه به مدد این مهاجران به سمت تکامل آواره رفت و شهرت آن در جهان افزایش پیدا می‌کرد، به‌این‌ترتیب مهاجران بیشتری برای رسیدن به آن تحریک و تهییج می‌شدند. به‌ویژه اینکه این آواره و شهرت ثروت و فرصت در آمریکا موجب شد تا گروه‌هایی از طبقات پایین جامعه هم تلاش کنند از خودشان را به این کشور برسانند و ازاین‌پس دیگر جریان مهاجرت‌ها به آمریکا فقط سیاسی نبود. بعدها که در آمریکا منابع طلای گسترده‌ای هم پیدا شد، یک جریان گسترده از ماجراجویان راهی آمریکا شدند که حتما به مدد قیلم‌های وسترن زیادی که از آن دوران ساخته شده، در جریان جزئیات آن قرار دارند. نگاهی به همه این جریان‌های مهاجرت در آمریکا نشان می‌دهد که به صورت طبیعی کسانی که از جامعه خودشان از حرمت، احترام، اشتغال و آزادی برخوردار هستند، دلیلی بر مهاجرت نمی‌بینند، اما کسانی که به هر دلیل در جامعه خودشان چنین جایگاهی ندارند یا اینکه به دلیل برخی کم‌برخوراری‌ها در طبقات پایین‌تر جامعه قرار دارند، انگیزه و دلیل بیشتری برای دست‌زدن به این مهاجرت‌ها دارند. مهاجرت گسترده ایرلندی‌ها



فریدون مجلسی

مهاجرت از ایران و مسئله توسعه اقتصادی

به آمریکا برای مثال در سایه چنین شرایطی رخ داد. کسانی که در بریتانیا از احترام لازم بهره‌مند نبودند و چنان در گروه‌های زیاد به آمریکا مهاجرت کردند که در برخی مناطق آمریکای کاتولیک را به رنگ پورستان آورد‌رند یا مهاجرت گسترده ایتالیایی‌های جنوب ایتالیا که از فقر زیادی رنج می‌بردند و با مهاجرت‌شان به آمریکا فرهنگ گسترده ایتالیایی را در آمریکا ایجاد کردند. این دست مهاجرت‌های گسترده شاید تا زمان جنگ جهانی دوم ادامه داشت؛ ولی بعد از آن دیگر شاهد چنین سبک مهاجرت‌هایی در دنیا نیستیم. از اینجاست که مهاجرت در دنیا وارد فاز جدیدی می‌شود که شاید به مهاجرت در ایران هم مرتبط است. مهاجرت در ایران شاید به بعد از انقلاب بازمی‌گردد. بعد از انقلاب یک تحول بزرگ اجتماعی پیش آمد که تأثیر زیادی بر زندگی مردم گذاشت. برای مثال در سال‌های بعد از انقلاب رکودی در کشور حاکم شد که موجب شد بسیاری از کسانی که فکر می‌کنند می‌توانند کار و فعالیت بهتری داشته باشند، از ایران بروند. شبیه این اتفاق را در میان جامعه نخبگان عراقی هم می‌بینید. مردمی که در دوران جنگ‌های عراق با همسایگانش تصمیم گرفتند امنیت و اشتغال بایثبات را در جایی خارج از عراق جست‌وجو کنند و دست به مهاجرت زدند. اگرچه موج این مهاجرت‌ها به‌ویژه در میان جامعه نخبگانی برای ایران یک لطمه به حساب می‌آمد؛ ولی از آنجایی‌که ممکن است در کشور دیگری به پایگاهی قابل دسترسی برای کشور تبدیل شود، بسیار ارزنده است؛ اما جریان مهاجرت در ایران هم تنها مخصوص گروه‌های نخبگانی نبود. بعد از دوره‌های طولانی با فشارهای اقتصادی مختلف ناشی از التهاب‌ها و همچنین جنگ در ایران آن بخش از مهاجرت که هدف طبقه متوسط بود، هم در ایران به راه افتاد و گروه‌های زیادی از کسانی که زیر بار تورم و شرایط اقتصادی در حال خردشدن بودند، تصمیم گرفتند با مهاجرت از کشور وضعیت بهتری را در جای دیگری جست‌وجو کنند. این مهاجرت با خطرانی مواجه بود. به‌ویژه اینکه آنان که شاید مهارت یا دانش خاصی نداشتند در کشور مقصد به‌راحتی پذیرفته نمی‌شدند و برای همین مجبورن راه‌های خطرناک‌تری را برای مهاجرت انتخاب کنند که بعضی وقت‌ها به تراژدی ختم می‌شود. نکته پایانی اینکه ایران با این حجم بالای منابع و ثروت‌های خدادادی می‌تواند با برنامه‌ریزی درست در استفاده از این منابع مانع از مهاجرت بخش بزرگی از مهاجران ایرانی که بنا به دلایل اقتصادی مهاجرت می‌کنند، هم بشود. نباید فراموش کنیم که توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی منبع همه قدرت‌ها خواهد بود و می‌تواند بسیاری از این دست رویدادها را زین این ببرد.

رسانه

خبر_فوری می‌خواین؟



پژمان موسوی

اطلاع‌رسانی غیرمسئولانه با برجسب «خبر فوری» را باید در نگاه غیرحرفه‌ای به خبر و روزنامه‌نگاری دانست. بسیاری از کانال‌ها و مراجع مجازی اطلاع‌رسانی، برای جذب مخاطب و کلیک بیشتر، هر شایعه‌ای را به نام خبر منتشر می‌کنند و هیچ‌یک از اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را در فعالیت‌های روزانه‌شان رعایت نمی‌کنند؛ چراکه اساسا برای بسیاری از فعالان فضای مجازی، «دقت» همواره باید فدای «سرعت» شود. آن‌قدر این فداشدن مهم است که از اصطلاحی به نام «خبر فوری» هم استفاده می‌شود تا دقت هرچه‌زودتر فدای سرعت شود و مخاطب با سرعت بیشتری قریب خورده و خود به رسانه‌ای از خدمت‌گزار «فیک‌نیوز» بدل شود. تاکنون با خود فکر کرده‌اید این همه کانال خبری در تلگرام به چه کار می‌آیند؟ چرا حجم اخبار دروغ، شایعه یا گمانه‌زنی‌های غلط در فضای مجازی این‌همه زیاد است؟ اگر به این پرسش هم فکر نکنید نباشید، حتما ز به‌اشترک گذاشتن و خریدن این‌همه دروغ و شایعه در فضای مجازی حیرت کرده‌اید. دروغ‌هایی که خیلی‌هایشان برای جلب توجه بیشتر، برجسب «خبر فوری» هم به خود می‌زنند تا مخاطب را بیشتر در منج‌لاب تباهی فرو ببرند. اینها خوب می‌دانند که رسانه‌های رسمی و حرفه‌ای، به دلیل محدودیت‌های فزاینده‌ای که دارند، از ادایه اعتماد بدخلی مخاطبان خارج شده‌اند و همین هم بهترین فرصت را در اختیار آنها قرار داده تا با تمام قوا وارد شده و سپهر اطلاع‌رسانی را از آن خود می‌کنند و از این رهگذر، دوغ و دوشاب را با هم بیامیزند و ملغمه‌ای از شایعه و خبر را با تحلیل‌های مبتنی بر همان شایعات و دروغ‌ها، در اختیار مخاطبان قرار دهند. اینجاست که روزنامه‌نگاران حرفه‌ای باید با تمام توان به صحنه بیایند و با تأکید بر اهمیت سواد رسانه‌ای و آموزش مقدماتی آن به کاربران فضای مجازی، اجازه گرفتارشدن آنها در دام دروغ و ایفای نقش واسط برای انتشار آن دروغ‌ها را به آنها ندهند. سراسر‌است‌ترین پیشینه‌ها، اطمینان از اعتبار جایی است که برجسب «خبر فوری» به خبرهایش می‌زند. روزنامه‌نگاران باید از هر امکانی که در اختیار دارند استفاده کنند تا به مخاطبان فضای مجازی پیام‌وزند که عنوان «خبر فوری» چیزی نیست که به‌راحتی بالای هر خبر بیاید و برای بازنش‌ریک «خبر فوری» باید وسواس زیادی به خرج داد. از همین‌رو باید هر خبری را که عنوان «فوری» می‌گیرد، از چند منبع معتبر چک کرد و از صحت آن اطمینان حاصل کرد و از این گزاره مطمئن بود که پیش‌فرض اصلی تمام «خبرهای فوری» در فضای مجازی، «دروغ» و «نادرست» بودن آنها است؛ مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

روزها

از کابوسی به کابوسی دیگر*

گیسو فغفوری

دیروز، روز جهانی مهاجران بود و فردا روز بین‌المللی همبستگی بشر؛ نام‌هایی که یونیسف، سازمان ملل و یونسکو به روزهای سال می‌دهند تا برای بهبود وضعیت بشر تلاش شود. ایران و مردم ایران نیز بخشی از جهان هستند؛ ایرانی که مدام ناشم در اخبار هست، بدون آنکه به مردمش توجه شود. بدون آنکه به یاد آورده شود، تکتک ایرانیان هم از همان حقوقی برخوردارند که مردمان دیگر جهان از اروپا تا افغانستان. در همه موارد مردم ایران فراموش می‌شوند. گاهی رهبران جهان ایرانیان را فراموش می‌کنند، گاهی هم مسئولان ایرانی، وقتی تحریم‌ها بیشتر می‌شود. وقتی اعلام می‌شود واکسن خارجی قرار نیست به ایران بیاید و تا بهار منتظر می‌مانیم تا دانم‌شدن‌ان و محققان ایرانی واکسن را تولید کنند. ما مردم ایرانیم و هزاران دغدغه. همه ما نگران آن عددی هستیم که سخنگوی وزارت بهداشت اعلام می‌کند. عددی که چهار هفته پیش حوالی ۵۰۰ نفر بود و حالا کم‌کم به ۲۵۰ رسیده است. همه ما دوستی و عزیزی را داریم که در این بحران از دست دادیم و شاید بدویم. همه ما می‌دانیم که تحریم چه بر سرمان آورده است. به قول رئیس‌جمهور مدام باید بر سیاست‌های ترامپ تغب و لعنت بفرستیم؛ ولی مگر با نفرین، حال دوستان‌مان خوب می‌شود؟ عزیزان‌مان زنده می‌شوند؟ آیا حال بد نزدیکان‌مان خوب می‌شود؟ آیا سبب می‌شود آن کسی که رفته، برگردد؟ مدام باید فراموش کنیم که قرار بود سانتریفیوژها بچرخد و زندگی ما هم بچرخد. ما به‌نوعی فراموش شدیم. مدام باید خواسته‌ها و اولویت‌های‌مان را فراموش کنیم. مدام باید از یاد ببردیم چه می‌خواستیم؛ اما چه به دست آوردیم. برخی از ما این‌همه را تاب نمی‌آورند. رفتن و فرارکردن شده دغدغه ذهنی‌شان. بسیاریند کسانی که راه‌های مختلف مهاجرت را بررسی می‌کنند. آن کسی که دارد، خانه‌ای در ترکیه می‌خرد، آن کسی که ندارد، مانند افراد زیاد تن به دریا می‌سپارد تا برای خودش تغییر به وجود بیاورد. یک‌سال و نیم پیش، بسیاری برای رفتن دلیل می‌آوردند و اکنون آنان که مانده‌اند، برای بودن در وطن‌شان احتیاج به استدلال دارند. احتیاج دارند به خودشان جواب بدهند که چرا یکی از همان مهاجران نیستند، دیگر نظریه‌هایی مانند وطن که هتل نیست، کارکردی ندارد. برای طبقه متوسط که روزبه‌روز فقیرتر می‌شود و تعدادشان کمتر می‌شود، نام اردوگاه‌هایی مانند مائوس (پاپوآنیئو)، وس بوس (یونان) و کانال مانش، حتی ترکیه و... آشنا و آشتر می‌شود. ما ایرانی‌ها همه جای جهان هستیم، از گوشه‌ای در برزیل و آفریقای جنوبی تا سبیری و فیلیپین. ما به هر جایی که می‌شود رفت، برای رفتن فکر می‌کنیم و می‌رویم. روزبه‌روز بیشتر دغدغه رفتن داریم. یک جورهایی ۱۸ دسامبر -روز جهانی مهاجران- روز جهانی ما ایرانی‌ها هم می‌تواند باشد. ما به همه جای جهان مهاجرت کرده‌ایم. آقازاده‌های‌مان تورتو و ونکوور را تصرف کرده‌اند، تحصیل‌کرده‌های‌مان به اروپا و آمریکا رفته‌اند و ازجان‌گذشته‌ها هر جایی که بشود رفت. حتی آن پیچمان مهاجرت که در سال ۲۰۱۸ از سازمان ملل و از سوی ۱۹۲ کشور و با ۲۳ هدف تصویب شد، نتوانست برای مهاجران، برای ایرانیان آواره در اردوگاه‌ها و البته دیگر مهاجران جهان «کرامت انسانی» به همراه بیاورد.



این سند تعهد سیاسی دولت‌هاست که البته مخالفانی هم دارد، به نظر گروه‌های راست افراطی می‌توانند به‌نوعی رویارویی با حاکمیت ملی باشند و اقتدار دولت‌ها در مرزها و سیاست خارجی‌شان را تضعیف کند. در این سند از حقوق مهاجران حمایت می‌کند؛ اما حتی برای مهاجرت ایجاد نمی‌کند، دولت‌ها متعهد شده‌اند که پدیده بازداشت به‌عنوان آخرین راه‌حل و برای ارائه خدمات ابتدایی برای مهاجران انجام شود. قرار شده مسیرهای بیشتری برای مهاجرت قانونی باز شود. قرار شده مبارزه با تمام اشکال تبعیض انجام گیرد و در راستای یکنانه‌هراسی و بردباری برای مهاجران باشد. به نظر می‌رسد راه زیادی تا رسیدن به این اهداف مانده است؛ به‌ویژه آنکه کشورهای مهمی مانند آمریکا، استرالیا و سوئیس از این پیمان‌نامه خارج شده‌اند. با تمام اینها شاید اگر پاسپورت‌مان اعتبار بیشتری داشت، شاید اگر مرزهای کشورهای بیشتری بر روی‌مان گشوده بود، هم‌وطنان‌مان این‌طور آواره گوشه‌گوشه جهان نمی‌شدند. شاید اگر مردم فراموش نمی‌شدند، خیلی از این اتفاقات از تحریم تا تبعیض برای‌مان رخ نمی‌داد.

***دوپیه‌وله چندی پیش مجموعه عکس‌های پروین سعادت‌ی از برخی مهاجران را در یکی از اردوگاه‌های یونان منتشر کرد. او در سال ۲۰۱۶ با سفر به یونان این مجموعه عکس را ثبت و کتابی با عنوان «از یک کابوس به کابوس دیگر» منتشر کرد. مهاجرانی که در اتاق‌های کوچک اما با تعداد زیاد می‌خوابیدند، با بیماری‌های مختلف به خاطر کمبود بهداشت درگیر بودند و نه راه پس داشتند و نه راه پیش.**



بی‌شمارند. از مقبره پیر هرات خواجه عبدالله انصاری تا باغ‌ها و تفرجگاه‌های اطراف رودخانه هریود، قلعه‌ها، پل‌ها، مسجدها و مقبره‌ها که بخش مهمی از تاریخ ایران به‌ویژه زمان تیموریان را در معماری عرضه می‌کنند. هرات آب‌وهوایش مطبوع و غذایش به ذائقه ما ایرانیان نزدیک است. به لحاظ نزدیکی به ایران و یکی‌بودن زبان هر دو کشور، خصوصاً امنیت نسبی که پس از عقب رانده‌شدن طالبان حاصل شده است، می‌تواند اقبالی در گردشگری داشته باشد. هرچند امنیت هرچه بیشتر مردمان کشور همسایه‌مان به ایران خواهد شد، خصوصاً اینکه جاذبه‌های گردشگری خراسان رضوی بی‌شمارند. آسپادهای زیبای نشتیفان، مسجد جامع سگان، مدرسه غیاثیه که ادامه ساخت‌وسازهای زمان تیموریان در هرات است، در کنار رونق‌گرفتن اقامتگاه‌های محلی در سال‌های اخیر، خاطراتی خوش برای مسافرانی که به سمت مشهد یا به سمت مرکز و جنوب ایران می‌روند، بر جای خواهد گذاشت.